

## تجلیات قرآنی در شعر امام

هادی رستگار مقدم

تجلی قرآن در شعر شاعران بر چند گونه است:

### ۱. تجلی واژگانی

در این شیوه شاعر از پاره ای از واژه ها و ترکیب های واژگانی قرآنی وام می گیرد و بر شیوایی و فصاحت و بلاغت و بلندی معنای شعر خود می افزاید، واژگانی را از قرآن می گیرد که ریشه قرآنی داشته باشند، حال مستقیم و یا غیرمستقیم که می تواند از شعر شاعران دیگر ر گرفته باشد. تجلی واژگانی خود به دو شیوه تجلی واژگانی مستقیم و تجلی واژگانی مترجم، تقسیم می شود.

### الف. تجلی واژگانی مستقیم

در این شیوه، واژه یا ترکیبی قرآنی با همان ترکیب و ساختار عربی خویش، بی هیچ دگرگونی یا با اندک تفاوتی در شعر راه می یابد، مانند این بیت:

نوشته اند بر ایوان جنۃ المأوی که هر که عشوه دنیا خرید وای بر او  
(حافظ)

که ترکیب جنۃ المأوی ترکیبی است قرآنی و برگرفته از آیه شریفه: (ولقد رءاه نزلۃ أخری. عند سدرۃ المنتهی. عندها جنۃ المأوی) (نجم/۱۳ - ۱۵).

### ب. تجلی واژگانی مترجم

در این شیوه شاعر از گردانیده شده و یا پارسی شده ترکیب قرآنی استفاده نموده از آن در شعر خود بهره می گیرد، مثلاً:

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است  
بیا رب این تأثیر از سوی کدامین کوكب است

که واژه شب قدر در حقیقت پارسی شده واژه لیلۃ القدر است که در قرآن آمده است.

### ۲. تجلی اقتباسی

در این شیوه، شاعر، عبارت قرآنی یا عبارت روایی و یا بیت معروفی از دیگر شاعران در شعر خود می آورد، بدان سبب که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت. باید توجه داشت که اگر نص آیه یا حدیث یا بیت آورده شود آن را (درج) گویند، مانند این بیت معروف رضی الدین نیشابوری که اقتباس از آیه ۱۳۹ سوره اعراف است:

چو رسی به طور سینا (ارنی) مگو و بگذر که نیرزد این تمنا به جواب (لن ترانی)

### ۳. تجلی تضمینی

در این شیوه شاعر، آیتی از قرآن و یا حدیثی یا مصراع‌ی یا بیتی از شعر در سروده خود می آورد مانند:

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد  
میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است  
(سعدی)

و یا:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم  
(نظامی / مخزن الاسرار)

### ۴. تجلی حلّ یا تحلیل

در این شیوه، شاعر برای آذین بندی سخن خویش از آیه و یا حدیثی بهره می جوید و به ناچار بیش از پیش ساختار آن را در هم می ریزد و طرحی دگر می اندازد که این شیوه بیشتر در اشعار مولوی به چشم می خورد، مانند:

گفت موتوا کلکم من قبل أن یأتی الموت تموتوا بالفتن  
(مولوی)

که گزارشی است بس در هم ریخته از حدیث مشهور (موتوا قبل أن تموتوا).

### ۵. تجلی گزارشی (ترجمه - تفسیر)

در این شیوه، شاعر، مضمون آیه یا حدیثی را به صورت ترجمه و یا تفسیر به زبان پارسی بیان می کند، مانند:

قیمت هر کس به قدر علم اوست این چنین گفتا امیرالمؤمنین  
(ناصر خسرو)

که ترجمه این حدیث امیرمؤمنان علی(ع) است: (قیمة کل امرء ما یعلم).  
و یا این بیت:

آدمی مخفی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان  
(مولوی)

که ترجمه سخن مولای متقیان علی(ع) است که فرمود: (المرء مخبوء تحت لسانه).

در تجلی گزارشی نیز تفسیر و تفصیل یک یا چند آیه در یک غزل یا قصیده یا چند بیت آورده می شود و نمونه های آن فراوان است.

### ۶. تجلی تلمیحی

در این شیوه، شاعر پارسی گوی، سخن خویش را بر پایه نکته ای قرآنی یا روایی بنا می نهد، اما آن را به عمد با اشاره و نشانه ای همراه می سازد تا خواننده اهل معرفت را به آنچه خود نظر داشته، رهنمون گرداند.

مانند:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند  
(حافظ)

این بیت اشاره ای به روایت پیامبر اسلام(ص) دارد که آن حضرت فرمود: (انّ امّتی ستفترق بعدی علی ثلاثه و سبعین فرقه، فرقه منها ناجیه و اثنتان و سبعون فی النار).

#### ۷. تجلی تأویلی

در این شیوه، شاعر یک آیه یا روایت را مدّ نظر داشته و به تأویل و تفسیر آن می پردازد، مانند حدیثی که می فرماید: (حبّ الوطن من الایمان). در این حدیث وطن را تأویل به وطن آن سویی و ملکوتی انسان کرده اند، مانند این ابیات مرحوم شیخ بهایی در نان و حلوا: قم توجه شطر اقلیم النعیم واذکر الاوطان و العهد القدیم

گنج علم ما ظهر مع ما بطن گفت از ایمان بود حبّ الوطن

این وطن مصر و عراق و شام نیست این وطن شهری است کان را نام نیست

ز آن که از دنیاست این اوطان تمام مدح دنیا کی کند خیر الأنام

حبّ دنیا هست رأس هر خطا از خطا کی می شود ایمان عطا

اینک پس از این مقدمه و تعریف انواع تجلی قرآن در شعر، سری به دیوان حضرت امام خمینی(ره) خواهیم داشت و انواع تجلی قرآن را در شعر ایشان همراه با نمونه هایی خواهیم آورد.

#### \* غزلیات

همه در عید به صحرا و گلستان بروند من سرمست ز میخانه کنم رو به خدا  
آیه شریفه (فجعلهم جذاذاً الا کبیراً لهم لعلهم الیه یرجعون) (انبیء/۵۸) به صورت تفسیری در این بیت تجلی نموده است. در تاریخ آمده است که ابراهیم(ع) آن گاه که قوم او برای انجام مراسم عید به صحرا رفته بودند به بتخانه رفت و همه بتها را جز بت بزرگ شکست و تبر خود را بر دوش بت بزرگ نهاد.

عاشق روی توام ای گل بی مثل و مثال بخدا غیر تو هرگز هوسی نیست مرا

در این بیت، آیه شریفه (لیس کمثله شیئی) (شوری/۱۱) به نحو واژگانی مترجم تجلی نموده است.

پرده از روی بینداز به جان تو قسم غیر دیدار رُخت ملتسمی نیست مرا

در این بیت آیه شریفه (و لَمَّا جَاء مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَ رَبَّهُ قَالَ رَبِّ اَرْنِي اَنْظُرَ الْيَكْ قَالَ لَنْ تَرَانِي) (اعراف/۱۴۳) به صورت تلمیحی تجلی نموده است.

همه جا منزل عشق است که یارم همه جاست

کور دل آن که نیابد به جهان جای تو را  
در این بیت آیه شریفه (فأینما تولّوا فثمّ وجه الله) (بقره/۱۱۵) به صورت تلمیحی تجلی کرده و  
تفسیری از آن آیه شریفه ارائه شده است.

سرزلفت به کناری زن و رخسارگشا تا جهان محو شود، خرّقه کشد سوی فنا  
این بیت را می توان تجلی تلمیحی این آیه شمرد: (فلما تجلی ربه للجبل جعله دكاً و خرّ موسی  
صعقاً) (اعراف/۱۴۳)

< رسم آیا به وصال تو که در جان منی؟ هجر روی تو که در جان منی نیست روا  
در این بیت دو آیه: (و نحن اقرب الیه من حبل الوريد) (ق/۱۶) و (و هو معکم اینما کنتم) (حدید/۴)  
تجلی تلمیحی دارند که در این آیه شریفه معیت حق تعالی به انسان ها معیت قیومیّه تلقی می  
شود یعنی لحظه ای نیست که از انسان ها به دور باشد.

جز عشق تو هیچ نیست اندر دل ما عشق تو سرشته گشته اندر گل ما  
این بیت با تجلی تلمیحی آیه شریفه: (فاذا سوّيته و نفخت فیه من روحی) (حجر/۲۹) ظهور دارد که  
حق تبارک و تعالی اندر گل بشر از روح خودش که از عالم امر است دمیده است و انسان ها را جان  
بخشیده است.

گر نوح ز غرق سوی ساحل ره یافت این غرق شدن همی بود ساحل ما  
در این بیت نیز اشاره ای به داستان نوح و نشستن در کشتی و نجات از طوفان است که در آیات  
چندی از قرآن آمده است.

< ای جلوه ات جمال ده هر چه خوبرو ای غمزه ات هلاک کن هر چه شیخ و شاب  
این بیت را شاید بتوان تجلی گزارشی تفسیری از آیه نور دانست: (الله نور السموات و الأرض مثل  
نوره کمشکوّه فیها مصباح...)

هر کجا پا بنهی حسن وی آنجا پیداست هر کجا سر بنهی سجده گه آن زیباست  
این بیت تجلی تلمیحی از این آیه است: (ولله المشرق و المغرب فأینما تولّوا فثمّ وجه الله إنّ الله  
واسع علیم) (بقره/۱۱۵).

< جمله خوبان بر حسن تو سجود آورند  
این چه رنجی است که گنجینه پیر و برنا است  
این بیت تجلی تلمیحی از آیه ۳۴ بقره است: (و إذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس اّبی  
و استکبر و کان من الکافرین).

وای اگر پرده ز اسرار بیفتد روزی  
فاش گردد که چه در خرّقه این مهجور است  
این بیت تجلی تلمیحی است از آیه شریفه: (یوم تبلی السرائر) (طارق/۹)  
با مدعی بگو که تو و جنت النعیم دیدار یار حاصل سرّ نهان ماست  
این بیت تجلی اقتباسی یا تجلی واژگانی مستقیم با همان ترکیب قرآنی از آیه شریفه: (و لو أنّ اهل  
الکتاب آمنوا و اتّقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم و لأدخلناهم جنّات النعیم) (مائده/۶۵) است.

ما عاشقان ز قلّه کوه هدایتیم روح الامین به سدره پی جست و جوی ماست  
 < گلشن کنید می‌کده را ای قلندران طیر بهشت می زده در گفت و گوی ماست  
 با مطربان بگو که طرب را فزون کنند دست گدای صومعه بالا به سوی ماست  
 این ابیات تجلی تفسیری از داستان معراج است که در اول سوره اسراء بدان اشاره شده است، و در  
 بیت اول نیز تجلی اقتباسی از آیات شریفه (نزل به الروح الامین. علی قلبک) (شعراء/۱۹۳ و ۱۹۴) و  
 (و لقد رآه نزلهُ اُخری. عند سدره المنتهی. عندها جنهُ المأوی. اذ یغشی السدره ما یغشی. مازاغ  
 البصر و ما طغی) (نجم/۱۳ - ۱۷) می باشد.  
 هر کسی از گنهد پوزش و بخشش طلبد  
 دوست در طاعت من غافر و توّاب من است  
 این بیت تجلی گزارش مترجم از آیه (واستغفره انه کان توّاباً) (نصر/۳) است.  
 عارفان رخ تو جمله ظلومند و جهول  
 این ظلومی و جهولی سرو سودای من است  
 در این بیت تجلی اقتباسی از این آیه است: (انا عرضنا الأمانه علی السموات و الأرض و الجبال فأبین  
 أن یحملنها و أشفقن منها و حملها الإنسان انه کان ظلوماً جهولاً) (احزاب/۷۲).  
 عالم و جاهل و زاهد همه شیدای تواند این نه تنها رقم سرّ سویدای من است  
 این بیت تجلی تلمیحی است از آیه (سبّح لله ما فی السموات و الأرض) (حدید/۱)  
 من چه گویم که جهان نیست بجز پرتو عشق  
 ذوالجلال است که بر دهر و زمان حاکم اوست  
 این بیت تجلی اقتباسی است از آیه: (و یبقی وجه ربّک ذوالجلال و الاکرام) (رحمن/۲۷)  
 من به یک دانه به دام تو به خود افتادم  
 چه گمان بود که در ملک جهان دامم نیست  
 این بیت تجلی گزارشی تفسیری از داستان آدم و حوا است که هنگامی که از درخت ممنوعه تناول  
 کردند به خود آمدند و عریان بودن خودشان را مشاهده کردند.  
 گر سلیمان بر غم مور ضعیفی رحمت آرد  
 در بر صاحب‌دلان والای و سرافراز گردد  
 این بیت تجلی تفسیری از داستان حضرت سلیمان است که هنگام لشگرکشی به سبا از وادی  
 مورچگان عبور می کرد:  
 (حتی اذا أتوا علی واد النمل قالت نملة یا ایها النمل ادخوا مساکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده و  
 هم لایشعرون) (نمل/۱۷ - ۱۸)

بیاد روی تو غم هر دو جهان از دل برد صبح امید، همه ظلمت شب باطل کرد  
 این بیت شاید تجلی تأویلی از آیه شریفه: (ألیس الصبح بقریب) (هود/۸۱) باشد که از آن تعبیر شده  
 به صبح امیدواری، صبح پیروزی و صبحی که شب دیجور را زدود، و صبحی که حضرت لوط پیامبر  
 و اهلس به جز همسر کافرش که همراه با قوم لوط شبانگاه به هلاکت رسیدند، نجات یافتند .

آتشی را که ز عشقش به دل و جانم زد

جانم از خویش گذر کرد و خلیل آسا شد

در این بیت تجلی گزارشی تفسیری از داستان حضرت ابراهیم(ع) است راجع به شکستن بت ها که به سوزاندن حضرت ابراهیم انجامید و فرمان خداوند متعال که فرمود: (یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم) (انبیاء/۶۹) او را از آتش خشم بت پرستان نجات داد.

معجز عشق ندانی تو زلیخا داند که برش یوسف محبوب چنان زیبا شد

در این بیت تجلی گزارشی تفسیری از داستان حضرت یوسف و زلیخاست که زلیخا آن چنان شیفته او شد که مورد اعتراض دیگر زنان قرار گرفت و در سوره یوسف به تفصیل آمده است.

گر تو آدم زاده هستی علم الأسماء چه شد

قاب قوسینت کجا رفته است او آدنی چه شد

این بیت تجلی اقتباسی از آیات شریفه قرآن کریم است که فرمود: (و اذ قال ربّک للملائکة ائی جاعل فی الأرض خلیفة قالوا اأتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدّس لک قال ائی أعلم ما لا تعلمون. و علم آدم الأسماء کلّها...) (بقره/۳۰ - ۳۳) و آیه شریفه:

(فکان قاب قوسین او آدنی) (نجم/۹)

< مرشد از دعوت به سوی خویشتن بردار دست

لا الهت را شنیدستم ولی الآ چه شد

این بیت تجلی اقتباسی از آیات شریفه ای همچون: (الله لا اله الا هو) (بقره/۲۵۵) می باشد.

دنباله صبح لیلۃ القدر خور با رخ آشکار آمد

این بیت هم تجلی اقتباسی و هم تجلی گزارش تفسیری از سوره قدر است که آیه اول آن (انا انزلناه فی لیلۃ القدر) و پایان آن (سلام هی حتی مطلع الفجر) می باشد.

< او بود و کسی نبود با او یکتا و غریب وار آمد

این بیت تجلی گزارشی تفسیری از سوره مبارکه اخلاص (قل هو الله أحد) می باشد.

گلزار ز عیش لاله باران شد سلطان زمین و آسمان آمد

این بیت تجلی تلمیحی از این آیه شریفه است (و لله ملک السموات و الأرض) (آل عمران/۱۸۹)

یوسفی باید که در دام زلیخا دل نبازد

ور نه خورشید و کواکب در برش مفتون نداند

مصراع اول این بیت، تجلی گزارشی تفسیری است از آیه شریفه (و راودته التی هو فی بیتها عن نفسه و غلّقت الأبواب و قالت هیت لک قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثنوی إنه لا یفلح الظالمون. و

لقد همّت به و همّ بها لولا أن رأی برهان ربّه کذلک لتصرف عنه السوء و الفحشاء أنّه من عبادنا المخلصین) (یوسف/۲۳ و ۲۴)

آن که بشکست همه قید، ظلوم است و جهول

و آن که از خویش و همه کون و مکان غافل بود

مصراع اول این بیت نیز تجلی تلمیحی از آیه امانت است که پیش از این یاد شد.

طلوع صبح سعادت فرا رسد که شبش یگانه یار به خلوت بداد اذن ورود  
این بیت تجلی تلمیحی است از آیه شریفه: (تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم من كل أمر. سلام  
هی حتی مطلع الفجر) (قدر/۴ - ۵)

موسی اگر ندید به شاخ شجر رخس بی شک درخت معرفتش را ثمر نبود  
این بیت تجلی تلمیحی و گزارشی تفسیری از داستان حضرت موسی (ع) است هنگامی که آتش را  
از دور دید و رفت تا خبری از آن بیاورد. قرآن در این زمینه می فرماید: (أني أنست ناراً لعلی آتیکم  
منها بخبر أو جذوة من النار لعلکم تصطلون. فلما أتیها نودی من شاطیء الواد الأيمن فی البقعة  
المباركة من الشجرة أن یا موسی إني أنا الله رب العالمین) (قصص/۲۹ - ۳۰)

بلقیس وار گر در عشقش نمی زدیم ما را به بارگاه سلیمان گذر نبود  
این بیت تجلی گزارشی تفسیری از آیات شریفه سوره نمل و داستان حضرت سلیمان (ع) است که  
در آیه های ۳۸ تا ۴۴ این سوره آمده است.

خواست شیطان بد کند با من ولی احسان نمود  
از بهشتم برد بیرون بسته جانان نمود

این بیت نیز تجلی تلمیحی از داستان خلقت حضرت آدم و حواست که خداوند متعال آن دو را از  
خوردن میوه شجره منع فرمود، اما شیطان بر آنان غالب آمد و آن دو نیز دچار وسوسه های شیطانی  
شدند و از آن میوه ها تناول کردند و خداوند از بهشت شان بیرون برد. در این بیت امام (ره) می  
فرماید: این عمل شیطان باعث شد که آدم و آدمیان خود را به خداوند متعال وابسته تر بینند و با او  
بیشتر راز و نیاز کنند. این داستان در چند سوره از قرآن وارد شده است.

غمزه ات در جان عاشق برفرورد آتشی

آن چنان کز جلوه ای با موسی عمران نمود

این بیت تجلی تلمیحی از آیات ۲۹ - ۳۵ سوره قصص داستان حضرت موسی (ع) است که فرموده:  
(فلما قضی موسی الأجل و سار بأهله آنس من جانب الطور ناراً)

ابن سینا را بگو در طور سینا ره نیافت

آن که را برهان حیران ساز تو حیران نمود

این بیت تجلی واژگانی مترجم است از آیه شریفه: (وشجرة تخرج من طور سیناء) (مؤمنون/۲۰)

از اقامتگه هستی به سفر خواهیم رفت

به سوی نیستیم رخت کشان خواهی دید

این بیت تجلی گزارش تفسیری از آیه شریفه: (کل نفس ذائقة الموت) (آل عمران/۱۸۵) است.

قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند قصه علم الأسماء به زبان است هنوز

این بیت تجلی گزارشی تفسیری و نیز تجلی اقتباسی است از خلقت آدم و اراده حق تعالی از خلقت  
آدم که ملائکه زبان حال به اعتراض گشودند و گفتند: (أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء)  
(بقره/۳۰) و حق تعالی پاسخ فرمود: (إني أعلم ما لاتعلمون)... و (علم آدم الأسماء ک لها ثم

عرضهم على الملائكة فقال أنبئوني بأسماء هؤلاء إن كنتم صادقين) و ملائكة گفتند: (سبحانك لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك أنت العليم الحكيم) (بقره/۳۱ - ۳۲)

هر طرف رو کنم تویی قبله قبله، قبله نما نمی خواهیم

این بیت تجلی گزارشی تفسیری از آیه شریفه: (فأینما تولّوا فثمّ وجه الله) (بقره/۱۱۵) است.

< در آتش عشق تو خلیلا نه خزیدیم در مسلخ عشاق تو فرزانه و فردیم

در این بیت تجلی گزارشی تفسیری از داستان حضرت ابراهیم و به آتش افکندن آن حضرت در آتش برافروخته نمودن می باشد که ذکرش در سوره مبارکه انبیاء آمده است.

تو خطا کاری و حق آگاه است حیلہ گر زهد نمایی بس کن

این بیت تجلی گزارشی تفسیری از این آیه است: (وان ربک لیعلم ماتکنّ صدورهم و ما یعلنون) (نحل/۷۴) و نیز آیه: (ان الله علیم بذات الصدور) (مائده/۷).

< حق غنی است، برو پیش غنی نزد مخلوق، گدایی بس کن

این بیت تجلی تلمیحی است از آیه شریفه: (واعلموا ان الله غنی حمید) (بقره/۲۶۷).

زد خلیل عالم چون شمس و قمر را به کنار

جلوه دوست نباشد چو من و آفل من

این بیت تجلی گزارشی تفسیری و یا تلمیحی است از آیه شریفه: (فلما رأى القمر بازغاً قال هذا ربی

فلما أفل قال لئن لم یهدنی ربی لأکوننّ من القوم الضالّین. فلما رأى الشمس بازغاً قال هذا ربی هذا

أكبر فلما أفلت قال یا قوم انّی بریء ممّا تشرکون) (انعام/ ۷۷ - ۷۸)

طور سینا را بگو ایام صعق آخر رسید موسی حق در پی فرعون باطل آمده

در این بیت واژه های طور سینا، صعق، موسی، تجلی واژگانی مترجم دارند، اما تجلی گزارش

تفسیری نیز در این بیت مشاهده می شود، آیه (ولکن انظر الی الجبل فان استقرّ مکانه فسوف ترانی

فلما تجلی ربّه للجبل جعله دكاً و خرّ موسی صعقاً... ) (اعراف/۱۴۳) دلالت تفسیری بر این بیت

دارد.

زاده اسماء را با جنّة المأوی چه کاری

در چم فردوس می ماندم اگر شیطان نبودی

این بیت تجلی تأویلی است از آیه: (و علم آدم الأسماء کلّها) که تأویل به زاده اسماء شده است و

واژه جنّة المأوی تجلی واژگانی مستقیم یا اقتباسی از آیه شریفه (عندها جنّة المأوی) (نجم/۱۵)

است، و نیز در مصراع دوم این بیت، تجلی گزارشی تفسیری از آیه (ولاتقربا ه ذه الشجرة فتکونا من

الظالمین) (بقره/۳۵) به چشم می خورد.

یوسفا از چاه بیرون آی تا شاهی نمایی

گر چه از این چاه بیرون آمدن آسان نبودی

این بیت تجلی گزارشی تفسیری از داستان حضرت یوسف است که برادران بر اثر حسادت بر یوسف

او را در چاه انداختند و به تقدیر الهی سرانجام عزیز مصر شد، و این تجلی تأویلی نیز دارد که



مقصود از (یوسف) روح پاک و پاکیزه بشر است و (چاه) در اینجا زندان تن است یعنی تعلق ات مادی.

رسد جانم به فوق قاب قوسین که خورشید شب تارم تو باشی  
این بیت تجلی واژگانی مستقیم است از آیه شریفه: (فکان قاب قوسین أو ادنی) (نجم/ ۹)

\* رباعیات

طی شد شب هجر (قدر) و مطلع فجر نشد

ییارا دل مرده تشنه پاسخ تو است

این بیت تجلی واژگانی مترجم است از آیه شریفه: (سلام هی حتی مطلع الفجر) (قدر/ ۵)

فردا که به صحنه مجازات روم گویند که هنگام ندامت بگذشت

این بیت تجلی گزارشی تفسیری است از آیه شریفه (الآن و قد عصیت قبل و كنت من المفسدین)

(یونس/ ۹۱)

< تا جلوه او جبال را دگت نکند تا صعق تو را ز خویش مندگت نکند

پیوسته خطاب لن ترانی شنوی فانی شو تا خود از تو منفگت نکند

این ابیات تجلی واژگانی مستقیم و مترجم و نیز اقتباسی است از این آیه شریفه: (و لما جاء موسی

لمیقاتنا و کلمه ربّه قال ربّ أرنی أنظر الیک قال لن ترانی و لکن انظر الی الجبل فإن استقرّ مکانه

فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله دكاً و خرّ موسی صعقاً... ) (اع راف/ ۱۴۳).

< ذرات جهان ثنای حق می گویند تسبیح کنان لقای او می جویند

ما کور دلان، خامششان پنداریم با ذکر فصیح راه او می پویند

این ابیات تجلی گزارشی تفسیری از این آیه است: (تسبیح له السموات السبع و الأرض و من فیهنّ

إن من شیء إلاّ یسبح بحمده و لکن لاتفقهون تسبیحهم إنه کان حلیماً غفوراً) (اسراء/ ۴۴).

< جز فیض وجود او نباشد هرگز جز عکس نمود او نباشد هرگز

مرگ است اگر هستی دیگر بینی بودی جز بود او نباشد هرگز

این ابیات تجلی گزارشی تفسیری و نیز تجلی تأویلی از آیات شریفه: (فأینما تولّوا فثمّ وجه

الله) (بقره/ ۱۱۵) و نیز (الله نور السموات و الأرض) (نور/ ۳۵) است، زیرا نور موجب دیده شدن اجسام

می باشد و نیز با نور است که عکس همه اجسام در چشم ایجاد می شود.

ای یاد تو روح بخش جان درویش ای مهر جمال تو دواى دل ریش

این بیت تجلی گزارشی تفسیری است از آیه شریفه: (ألا بذكر الله تطمئنّ القلوب) (رعد/ ۲۸)

< او نور زمین و آسمان ها باشد قرآن گوید، چنان نشان کی یابی

این بیت تجلی تلمیحی است از آیه: (الله نور السموات و الأرض... ) (نور/ ۳۵)

هیئات که تا اسیر دیو نفسی از راه (دنی) سوی (تدلّی) گذری

این بیت تجلی اقتباسی است از آیه شریفه: (ثمّ دنی فتدلّی) (نجم/ ۸)

دگت کن جبل خودی خود چون موسی تا جلوه کند جمال او بی آرنی

این بیت تجلی اقتباسی است از آیه شریفه: (فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعْقًا...) (اعراف/۱۴۳)

\* قصاید

لم یلدم بسته لب و گرنه بگفتم دخت خدایند این دو نور مطهر  
این بیت تجلی اقتباسی و تفسیری است ازسوره مبارکه توحید (لم یلد و لم یولد)  
امرش قضا حکمش قدر حبش جنان بغضش سقر  
خاک رهش زبید اگر بر طره سایید حور عین  
در این بیت تجلی واژگانی مستقیم و مترجم از آیه های چندی دیده می شود مانند آیه شریفه: (و  
اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون) (بقره/۱۱۷) و همچنین آیه شریفه: (و ان من شیء الا عندنا  
خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم) (حجر/۲۱) و آیه های: (سأصلیه سقر. و ما ادراک ما سقر. لاتبقی و  
لاتذر) (مدثر/ ۲۶ - ۲۸) و نیز آیه شریفه: (و کذلک زوّجناهم بحور عین) (دخان/۵۴)  
گو بیا بشنو به گوش دل ندای (انظرونی)  
ای که گشتی بی خود از خوف خطاب (لن ترانی)  
این بیت تجلی اقتباسی و تجلی گزارشی تفسیری است از آیه شریفه: (قال ربّ ارنی أنظر الیک قال  
لن ترانی) (اعراف/۱۴۳)

\* مسمّط

نورش از (کن) کرد بر پا هشت گردون مقرنس  
نطق من هر جا چو شمشیر است و در وصف شه اخرس  
واژه (کن) در این بیت تجلی واژگانی مستقیم از آیه (ان یقول له کن فیکون) است.

\* ترجیع بند

ای موسی صعق دیده در عشق از جلوه طور لامکانی  
دراین بیت تجلی اقتباسی از واژگان قرآن کریم به چشم می خورد، آیه شریفه (فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ  
لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعْقًا) (اعراف/۱۴۳) ، و آیه شریفه: (فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَ سَارَ  
بَاهِلَهُ أَنْسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا) (قصص/۲۹) تجلی دراین بیت دارند.  
< ای اصل شجر ظهوری از تو در پرتو سرّ سردمانی  
این بیت نیز تجلی گزارشی تفسیری است از آیه شریفه: (فَلَمَّا أَتَيْهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي  
الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) (قصص/۳۰)  
ای دور نمای پور آزر نادیده افول حق ز منظر  
این بیت تجلی تفسیری و نیز اقتباسی است از آیه شریفه: (و اذ قال ابراهیم لأبیه آزر...) (انعام/۷۴)

\* قطعات و اشعار پراکنده

دعوی ایتاک نعبد یک دروغی بیش نیست  
من که در جان و سرم باشد هوای بندگی  
این بیت تجلی اقتباسی است از آیه شریفه: (ایتاک نعبد و ایتاک نستعین) (حمد/۴)  
با عشق رخت خلیل را ناری نیست جویای تو با فرشته اش کاری نیست  
این بیت تجلی تفسیری است از داستان حضرت ابراهیم(ع) که چون عشق به حق تعالی داشت،  
آتش درمقابل آتش عشق او ناچیز بود.  
در غم دوری رویش همه در تاب و تبند همه ذرات جهان در پی او در طلبند  
این بیت نیز شاید تجلی تفسیری باشد از آیه شریفه: (ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها و  
للأرض ائتیا طوعاً او کرهاً قالتا أتینا طائعتین) (فصلت/۱۱) که آسمان و زمین در پی کمال حقند آن  
هم از روی اختیار.  
همچنین در بسیاری از اشعار امام، آیات فراوانی تجلی واژگانی مستقیم یا مترجم داشته اند. و واژه  
هایی مانند حور، قصور، صفا، فتح، مصباح، نور، فردوس، صنم، جن، ملک، آدم، آفاق، انفس، طور،  
جنت و سقر در موادی به کار رفته اند، چنان که در بسیاری از اشعار امام به داستان موسی، نوح و  
آدم علیهم السلام اشارت رفته است.